

چالش‌های قلمرو کیفری در رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح با

تأکید بر هیئت‌های انضباطی پلیس^۱حسنعلی مؤذن زادگان،^۲ محمدرضا یزدانیان^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۱۹

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به نوآوری‌های قانون جدید تشکیل هیئت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح و دستورالعمل اجرایی آن، در رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح رعایت موازین دادرسی منصفانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وجود چالش‌های مهم قانونی در رسیدگی به تخلفات انضباطی نظامیان، ایجاب می‌کند که چالش‌های موصوف از حیث «مطابقت با معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه» مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد و بر اساس یافته‌ها و داده‌های تحقیق، راهکارها و پیشنهادها متناسب ارائه گردد. مهم‌ترین هدف این پژوهش عبارت است از: «شناسایی چالش‌های موجود در مقررات دادرسی تخلفات نیروهای مسلح با تأکید بر هیئت‌های انضباطی پلیس و ارائه راه‌حل‌ها و سازوکارهای کارآمد در پرتو معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه».

روش پژوهش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و موضوع آن نظری است. بر همین اساس تحقیق با روش کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی مانند کتاب‌ها، مقاله‌ها و قوانین صورت گرفته است. ارائه مطالب نیز به سبک توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

یافته‌ها و نتایج: بر اساس داده‌های تحقیق، کلیات معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح و هیئت‌های انضباطی ناچا پذیرفته شده است، اما در این مورد چالش‌های مهم و جدی وجود دارد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش‌های رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح از منظر معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه عبارت است از: ساختار و ترکیب هیئت‌های انضباطی، محدودیت در انتخاب وکیل و شرایط خاص وکالت، توسعه رسیدگی غیابی و غیر تناظری، عدم پیش‌بینی حق وخواهی محکوم‌علیه از آرای غیابی هیئت‌های انضباطی و محدودیت حق تجدید نظر خواهی. در ساختار هیئت‌های انضباطی نیروی انتظامی اکثر مقامات پیشنهاد دهنده تنبیه حسب مورد عضو هیئت‌های بدوی و یا تجدید نظر هستند که این امر اصل بی‌طرفی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در موضوع وکالت نیز متهم به تخلف یا شاکی الزاماً وکیل یا نماینده خود را باید از بین کارکنان حقوقی شاغل یا بازنشسته ناچا انتخاب کنند. همچنین نتیجه تحقیق حکایت از آن دارد که در رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح تضمینات کافی برای رعایت معیارهای دادرسی منصفانه پیش‌بینی نشده است.

کلیدواژه‌ها: چالش‌ها، قلمرو کیفری، دادرسی منصفانه، معیارها، تضمینات، تخلفات، هیئت‌های انضباطی پلیس.

۱. برگرفته از رساله مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی با عنوان «چالش‌های رسیدگی به جرایم و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح در پرتو معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه».

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

dr.moazenzadegan@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

m.yazdanian38@gmail.com

مقدمه

بیان مسئله

رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح نسبت به سایر کارکنان دولت افتراقی بوده و تابع مقررات خاص قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۹۵ و دستورالعمل اجرایی آن است. قبل از تصویب مقررات مورد اشاره، هیئت‌های انضباطی هریک از سازمان‌های نیروهای مسلح بر اساس مقررات خاص مذکور در قوانین استخدامی خود به تخلفات انضباطی کارکنان رسیدگی می‌کردند. اتخاذ شیوه‌های متفاوت دادرسی در سطح نیروهای مسلح، تحقق عدالت، حقوق دفاعی متهمان و رسیدگی منصفانه را تحت تأثیر قرار می‌داد. برابر مقررات ماده ۲ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح، تخلفاتی که برای آن‌ها تنبیهات انضباطی «محرومیت از ترفیح، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت یا اخراج از خدمت» پیشنهاد می‌شود در هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود. هیئت‌های انضباطی به هیئت‌های بدوی و تجدید نظر تقسیم می‌شوند. نماینده سازمان قضایی نیروهای مسلح عضو قاضی هیئت‌های یادشده است. مهم‌ترین تخلفات انضباطی در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و دستورالعمل‌های قانون موصوف بیان شده است. علاوه بر تخلفات کارکنان نیروهای مسلح، هیئت‌های انضباطی صلاحیت رسیدگی به شکایات کارکنان در امور خدمتی و از اعمال و رفتار غیرقانونی فرماندهان و همچنین تعیین وضعیت خدمتی کارکنان در موارد پیش‌بینی شده در قوانین مربوط را دارند. در مقررات رسیدگی هیئت‌های انضباطی بسیاری از معیارها و اصول مهم حاکم بر قلمرو کیفری از قبیل تفهیم موضوع تخلف به متهم، حق استفاده از وکیل یا نماینده حقوقی، رسیدگی حضوری، رد اعضای هیئت‌های انضباطی، مستند بودن آرای هیئت و قابل اعتراض بودن برخی از آرای هیئت‌ها وجود دارد.

از طرفی در دهه‌های اخیر ظهور و توسعه مفهوم «دادرسی منصفانه» در انواع دادرسی‌های حقوقی، کیفری و اداری به مؤلفه‌ای اساسی و بنیادین تبدیل شده است و حتی در مواردی عدم رعایت «معیارهای دادرسی منصفانه» مشروعیت رسیدگی به دعاوی را زیر سؤال می‌برد. امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه جایگاه خاصی پیدا کرده و رکن اساسی و هسته مرکزی دادرسی کشورها را تشکیل می‌دهد. عبارت «دادرسی منصفانه» در قانون اساسی نیامده است، ولی به اصول مهم آن مانند تساوی افراد در برابر قانون، صالح بودن دادگاه، قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، علنی بودن دادرسی، حق تفهیم اتهام به متهم، حق دسترسی به دادگاه صالح، حق برخورداری از وکیل و مستدل و مستند بودن آراء، اشاره شده است. علاوه بر قانون اساسی، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز برخی از معیارهای دادرسی منصفانه ذکر گردیده است. دادرسی منصفانه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر چون مواد (۸-۱۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مواد ۱۹ و ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است. منابع دادرسی منصفانه را می‌توان اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و ملی برشمرد. اسناد فراملی به صورت الزامی و ارشادی در بردارنده اصول و ضوابط دادرسی منصفانه‌اند. در سطح ملی بسیاری از اصول دادرسی منصفانه بنا به اهمیت و ضرورتی که دارد در قانون اساسی متجلی و منعکس می‌شود (کوشکی، ۱۳۹۵: ۱۴۳ و ۱۴۴). علاوه بر دادرسی کیفری، دادرسی‌های شبه قضایی و اداری مانند رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت و یا رسیدگی هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح نیز باید همواره از اصول و ضوابط دادرسی منصفانه تبعیت نمایند؛ در غیر این صورت، وصف عدالت و انصاف از

آن سلب خواهد شد و اهداف والای آن نظیر حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی متهم محقق نخواهد شد. عدالت اقتضاء می‌کند تا اعمال تنبیهات مهمی از قبیل «معافیت و یا اخراج از خدمت» که ماهیت آن‌ها کیفری است، مشمول «قلمرو کیفری» واقع گردد و متهم بتواند از حقوق دفاعی و تضمینات حاکم بر دادرسی منصفانه برخوردار گردد. اخراج از خدمت نیز از ماهیتی همچون انفصال دائم از خدمت برخوردار است که آن را در ردیف ضمانت اجراهای کیفری قرار می‌دهد (وروایی و حریری، ۱۳۹۵: ۲۳۸). چنانچه تشریفات رسیدگی در مراجع شبه قضایی و اداری مشمول قلمرو کیفری گردد به تبع آن کلیه الزامات دادرسی عادلانه و منصفانه و ضمانت اجراهای مربوط در رسیدگی‌های موصوف اعمال می‌شود. در این حالت چالش‌های رسیدگی از منظر دادرسی منصفانه نیز کاهش می‌یابد و در نتیجه از حقوق متهم بهتر صیانت می‌شود. به عبارت دیگر، مدل دادرسی منصفانه بر رسیدگی‌های شبه قضایی و اداری حاکم می‌گردد. در حوزه آیین دادرسی کیفری، اصول و قواعد متعددی در جهت تأمین حقوق متهم حاکمیت دارند که از جمله می‌توان به اصول بی‌گناه بودن متهم یا اصل براءت، حداقل مداخله حقوق کیفری و حمایتی بودن تدابیر سیاست جنایی اشاره کرد^۱ (بارتولاس و دیگران، ۲۰۱۰: ۲۲۳).

موضوع پژوهش، بررسی چالش‌های قلمرو کیفری در رسیدگی به تخلفات نظامیان با تأکید بر هیئت‌های انضباطی پلیس است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در مقررات جدید هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح بسیاری از مفاهیم و اصول حاکم بر دادرسی کیفری پذیرفته شده است؛ اما قواعد موصوف در موارد متعددی با محدودیت و یا با شرایط خاص بیان گردیده است که این امر باعث شده چالش‌های

مهمی در مراحل مختلف دادرسی تخلفات نیروهای مسلح از منظر موازین دادرسی منصفانه ایجاد شود. وجود چالش‌های قلمرو کیفری در رسیدگی به تخلفات اعضای نیروهای مسلح به خصوص کارکنان نیروی انتظامی ایجاب می‌کند که این چالش‌ها از حیث معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد و بر اساس یافته‌های تحقیق، راهکارها و پیشنهادهای متناسب و کارآمد برای رفع آن‌ها ارائه گردد. با توجه به اینکه داده‌های پژوهش می‌تواند در بعد تقنینی باعث اصلاح مقررات و آیین‌های رسیدگی موجود و بهبود روش‌ها بر اساس قواعد پذیرفته شده در قلمرو کیفری و شاخص‌ها و استانداردهای دادرسی عادلانه و منصفانه گردد و در نتیجه حقوق فردی طرف‌های دعوا به ویژه کارکنان پلیس در فرایند رسیدگی هیئت‌های انضباطی بهتر تضمین شود، انجام این تحقیق ضروری بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است.

اهداف و کاربردهای تحقیق

اهداف تحقیق که نگارنده درصدد دستیابی به آن است، عبارت‌اند از:

الف- هدف کلی: با توجه به پرسش اصلی تحقیق مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف کاربردی و توسعه‌ای پژوهش عبارت است از: شناسایی چالش‌های موجود در مقررات دادرسی تخلفات نیروهای مسلح از منظر دادرسی منصفانه و ارائه راه‌حل‌ها و سازوکارهای کارآمد برای بهبود روش‌های رسیدگی به خصوص در هیئت‌های انضباطی ناجا.

ب- اهداف جزئی و اختصاصی: در راستای هدف کلی پژوهش، اهداف جزئی و اختصاصی این تحقیق به شرح ذیل است:

۱- تقویت بنیان‌های نظری و علمی و کاربردی اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی به تخلفات انضباطی کارکنان نیروهای مسلح؛ ۲- حمایت از حقوق دفاعی متهمان نظامی به خصوص کارکنان پلیس در فرایند رسیدگی به تخلفات آنان در هیئت‌های انضباطی؛

۳- فراهم نمودن زمینه تسری کامل الزامات دادرسی منصفانه پذیرفته شده در قلمرو کفیری به دادرسی تخلفات نیروهای مسلح به خصوص هیئت‌های انضباطی ناجا. در مورد کاربردهای پژوهش، نتایج این پژوهش می‌تواند از جنبه‌های علمی، کاربردی و تقنینی مثرتر واقع شود. از لحاظ علمی، داده‌های تحقیق می‌تواند در حوزه رسیدگی‌های شبه قضایی مورد استفاده دانشجویان، پژوهشگران و سایر اعضای جامعه حقوقی کشور قرار گیرد. در بعد کاربردی، یافته‌های پژوهش می‌تواند منبع مهم مراجعه اعضای هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح و کلیه افرادی باشد که به نحوی در رسیدگی هیئت‌ها نقش دارند. همچنین استفاده از داده‌های تحقیق می‌تواند باعث اتقان و استحکام آرای هیئت‌های انضباطی از منظر دادرسی منصفانه شود. از جنبه تقنینی نیز نهادهای متولی تدوین لوایح قضایی و قانون‌گذاری مانند کمیسیون‌های تدوین لوایح قوه قضاییه، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مجلس شورای اسلامی می‌توانند از یافته‌های پژوهش در جهت اصلاح قوانین دادرسی تخلفات نیروهای مسلح با رویکرد دادرسی عادلانه و منصفانه استفاده کنند. دست‌اندرکاران تدوین لوایح قضایی نیروهای مسلح به خصوص نیروی انتظامی می‌توانند استفاده کنندگان خاص نتیجه این پژوهش باشند.

پرسش‌های تحقیق

در خصوص رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح در پرتو معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه، پرسش‌ها و ابهامات متعددی وجود دارد که این پرسش‌ها در منابع موجود طرح نشده و به تبع آن پاسخ جامعی هم ارائه نگردیده است.

پرسش اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین چالش‌های رسیدگی به تخلفات اعضای نیروهای مسلح به خصوص کارکنان پلیس از منظر معیارهای دادرسی منصفانه چیست؟ پرسش‌های فرعی تحقیق عبارت‌اند از: ۱- در چه مرحله‌ای از رسیدگی به تخلفات انضباطی نظامیان و کارکنان ناجا، چالش‌های مهم دادرسی منصفانه وجود دارد؟ ۲-

کدام نوع از تضمینات دادرسی منصفانه در مقررات رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح، به‌طور کامل پیش‌بینی نشده است؟

فرضیه‌های تحقیق

«فرضیه‌های تحقیق» پاسخ‌مقدماتی و آزمایشی به سؤالات تحقیق است که به شکل یک رابطه، بین متغیر (یا متغیرهای) مستقل و وابسته بیان می‌شود (پوربخش، ۱۳۹۵: ۴۹)؛ به عبارت دیگر، فرضیه پاسخ‌سلبی یا ایجابی بر اساس انگاره پیشین نسبت به سؤالات تحقیق است. به موازات پرسش‌های تحقیق، فرضیه‌های مرتبط نیز متصور است که با توجه به ترتیب پرسش‌ها، فرضیه‌های موصوف بیان می‌شود. فرضیه اصلی تحقیق این است که مهم‌ترین چالش‌های دادرسی تخلفات نیروهای مسلح به‌خصوص کارکنان ناجا از منظر معیارهای دادرسی منصفانه عبارت است از: ساختار و ترکیب هیئت‌های انضباطی، محدودیت در انتخاب و کیل و شرایط خاص و کالت، توسعه رسیدگی غیابی و محدودیت حق تجدید نظرخواهی. با لحاظ قرار دادن پرسش‌های فرعی پژوهش، فرضیه‌های فرعی تحقیق نیز بدین شرح مطرح می‌شود: ۱- در مقررات رسیدگی به تخلفات انضباطی نظامیان و کارکنان ناجا در مراحل رسیدگی و صدور رأی، از حیث معیارهای دادرسی منصفانه چالش‌های جدی وجود دارد؛ ۲- در مقررات رسیدگی به تخلفات انضباطی نظامیان و کارکنان ناجا، ضمانت‌اجراهای کافی از قبیل بطلان یا عدم اعتبار تحقیقات، تعقیب انتظامی و جبران خسارت برای رعایت معیارهای دادرسی منصفانه، پیش‌بینی نشده است.

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه پژوهش، با بررسی دقیق اسناد کتابخانه‌ای و مراجعه به سایت‌های معتبر حقوقی و ثبت مقالات و پایان‌نامه‌های کشور، مشخص شد که در زمینه‌های قلمرو کیفری در رسیدگی‌های انضباطی پلیس ایران، تحلیل حقوقی هیئت‌های انضباطی، نحوه رسیدگی کمیسیون‌های انضباطی نیروهای مسلح و رعایت حقوق شهروندی در

هیئت‌های انضباطی آثار حقوقی به رشته تحریر درآمده است، لیکن آثار موجود در این حوزه از جامعیت لازم برخوردار نیست و منبعی (اعم از کتاب، پایان‌نامه و یا مقاله) که به‌طور خاص و جامع به موضوع «چالش‌های قلمرو کیفری در رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح با تأکید بر هیئت‌های انضباطی ناجا» پرداخته باشد، وجود ندارد؛ بنابراین موضوع تحقیق از لحاظ ساختار و محتوا جدید بوده و فاقد پیشینه نظری و تجربی است و جنبه نوآوری دارد.

مفاهیم و مبانی نظری

مفاهیم

- دادرسی عادلانه و منصفانه

اصطلاح «دادرسی عادلانه یا منصفانه» معادل "Fair Trial" به کار برده می‌شود و ترکیبی وصفی است. واژه «دادرسی» خود رسیدگی به عدل و داد را افاده می‌کند (فضائلی، ۱۳۹۴: ۴۵). عادلانه یا منصفانه معادل واژه "Fair" است که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» آمده است (همان: ۴۹ و ۵۰). منصفانه در ادبیات قضایی به معنای رسیدگی از روی عدل و انصاف، داشتن وصف بی‌طرفی، به کارگیری وجدان پاک و عدالت جوی انسانی و قواعد اخلاقی در حل و فصل خصومت بین اصحاب دعوا، رسیدگی غیر جانب‌دارانه و برابری میان طرفین دعوا و منازعه می‌باشد. همچنین در اصطلاح حقوقی، عادلانه به معنای بی‌طرف بودن، بدون تعصب و جانبداری و نفع شخصی و برابری بین طرفین اختلاف و دعوا است (گراوئر^۱، ۲۰۰۴: ۳۳). دادرسی عادلانه و یا منصفانه به مجموعه قواعد، هنجارها و سازوکارهایی گفته می‌شود که عدالت کیفری را محقق می‌سازد. بهره‌مندان این عدالت تنها متهمان نیستند، بلکه تحت تأثیر تحولات حقوق کیفری، تمامی اشخاصی که وارد

1. Graner.

فرایند کیفری می‌شوند، از تبعات این عدالت بهره‌مند می‌گردند (کوشکی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). همچنین در تعریف دادرسی منصفانه می‌توان گفت: فرایندی است که بر مبنای اصل برائت و حفظ کرامت انسانی پایه‌گذاری شده و رعایت الزامات آن، رفتار کرامت‌مدار و احکامی مبتنی بر عدالت و انصاف را نوید می‌دهد. در علم حقوق و در بیان مفهوم انصاف گفته شده است: احساس مبهمی است از عدالت که در مقام اجرای قواعد حقوق در اشخاص به وجود می‌آید و وسیله تعدیل و متناسب کردن آن‌ها با موارد خاص می‌شود. انصاف چوب دستی عدالت است تا از لغزش آن بکاهد و بر سرعت و استواری گام‌هایش بیفزاید (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۷۹).

– معیارهای دادرسی منصفانه

مقررات دادرسی کیفری در سایه اصول مهمی تدوین و اجرا می‌شود که از آن‌ها به‌عنوان «اصول دادرسی عادلانه یا منصفانه» تعبیر شده است. این اصول شاخص‌های یک دادرسی مطلوب را ارائه می‌دهد که به‌نوبه خود معیارهای سنجش یک دادرسی عادلانه در سطح تقنین و اجرا محسوب می‌شوند (طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۰). منظور از معیارها یا اصول دادرسی منصفانه، مجموعه مقررات یا قواعدی است که جهت رعایت حقوق طرفین دعوا، در رسیدگی به دعاوی پیش‌بینی گردیده است. به عبارت دیگر، معیارها و شاخص‌های دادرسی منصفانه که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان «استانداردهای دادرسی» نیز یاد کرد، همان اصول کلی حقوقی هستند که در نظام‌های حقوقی پیشرفته و نوین پذیرفته شده و به‌عنوان معیار و ملاک سنجش «عادلانه و منصفانه» بودن دادرسی‌ها محسوب می‌شوند. از میان تضمین‌های مشترک، برخی ساختاری و مربوط به ساختار مراجع قضایی و برخی دیگر، رفتاری و ناظر بر عملکرد این مراجع هستند (احمدی، ۱۳۹۶: ۳۷). هرگاه بتوان معیارهای عینی برای سنجش رعایت عدالت و انصاف در یک دادرسی ارائه نمود، می‌توان به دقت در خصوص اجرای عدالت و انصاف در مرحله دادرسی اظهار نظر دقیق‌تری به عمل آورد. در نتیجه لازم است

معیارهای موصوف توصیف و معین شوند. رعایت اصول و آیین‌های ناظر بر دادرسی منصفانه در تمام رسیدگی‌های قضایی، شبه قضایی و اداری الزامی است و عدم رعایت آن‌ها، صرف نظر از نتیجه دادرسی، آن را به یک دادرسی غیر منصفانه تبدیل می‌کند. چنانچه رسیدگی فاقد معیارها و شاخص‌های موصوف باشد از مسیر عدالت و انصاف خارج می‌شود. معیارها اصولاً «عام، دائمی، الزامی، اجتماعی، ارزشی و دارای ضمانت اجرا» هستند.

مهم‌ترین معیارهای تشکیل دهنده دادرسی عادلانه و منصفانه حاکم بر دادرسی‌های حقوقی، کیفری و اداری عبارت‌اند از: اصل استقلال مرجع رسیدگی، اصل بی‌طرفی دادرسان، اصل برائت، اصل علنی بودن رسیدگی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برابری سلاح‌ها، حق بهره‌مندی از وکیل، مستند و مستدل بودن آراء، حق تفهیم اتهام به متهم، محق بودن متهم به سکوت، حضوری و تناظری بودن رسیدگی، حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی.

- تضمینات دادرسی منصفانه

منظور از تضمینات دادرسی منصفانه، ضمانت اجراها و پاسخ‌های کیفری، اداری انتظامی و مدنی است که در ارتباط با عدم رعایت یا نقض معیارها و استانداردهای دادرسی منصفانه اعمال می‌گردد. این تضمینات به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

نخست، ضمانت اجراهای سرکوب‌گرانه یا سخت یا به تعبیری نسل اول که شامل پاسخ‌های کیفری و اداری-انتظامی می‌شود. دوم، ضمانت اجراهای نرم یا نسل دوم که عبارت است از سلب اعتبار از تحقیقات و جبران خسارت زیان‌دیده. گرچه استفاده از ضمانت اجراهای نسل اول در برخی برش‌های زمانی، کمتر شده و تعدیل شده است، ولی همواره در حقوق کیفری و نیز آیین‌نامه‌های اداری-انضباطی وجود داشته‌اند (مؤذن زادگان و کوره‌پز، ۱۳۹۵: ۵۴). هرگاه متولیان سیاست جنایی یک کشور، منصفانه‌ترین نظام دادرسی را طراحی و برای مظنون و متهم نیز حقوق شایسته‌ای را در

قانون پیش‌بینی کنند، ولی ضمانت اجرای مناسبی را برای اجرای عملی این اصول پیش‌بینی نکنند، چنین نظام دادرسی در عمل منصفانه نخواهد بود؛ بنابراین ضرورت شناسایی و تعیین ضمانت اجراهای مختلف و تضمین‌کننده حسن جریان اصول دادرسی، به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برکسی پوشیده نیست، چراکه عدم احترام به اصول و قواعد دادرسی باعث می‌شود که ادله جمع‌آوری شده یا تحقیقات صورت گرفته در معرض بطلان و بی‌اعتباری قرار گیرند و یا حداقل کارایی و اثر خود را از دست بدهند (گلدوست جویباری و باقری نژاد، ۱۳۹۲: ۷۴ و ۷۵).

– تخلفات انضباطی

تخلف انتظامی عبارت است از: نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه، آن را پذیرفته‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۲۳). در تعریف تخلف انضباطی آمده است: نقض مقررات صنفی به وسیله یک نفر از افراد آن صنف، مانند صنف قضات، وکلا و کارشناسان دادگستری. کیفر تخلف انضباطی تناسب و ارتباط با شغل مرتکب تخلف دارد؛ از قبیل توبیخ، تعلیق موقت و برخلاف جرم جزایی که غالباً ارتباطی با شغل و حرفه مجرم ندارد؛ مانند اعدام، حبس، جزای نقدی و غیره (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۱۴۳). در تعریف تخلف اداری گفته شده است: فعل یا ترک فعلی که ارتکاب آن مستخدم را مستحق مجازات اداری می‌نماید (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۵۷). در ماده ۱۱۰ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح و بند «ت» ماده ۴ دستورالعمل اجرایی قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی در تعریف تخلف آمده است: «انجام هر عمل یا ترک فعلی که برخلاف مقررات و دستورات و نظم و ترتیب و شئون جامعه نیروهای مسلح باشد و به موجب قوانین و مقررات تخلف شمرده شود».

- تنبیهات انضباطی

منظور از تنبیهات انضباطی، تنبیهاتی است که در اختیار فرماندهان بوده و حدود آن را آیین‌نامه‌های انضباطی تعیین می‌کنند (رستمی، ۱۳۷۸: ۲۹۰). در مقررات انضباطی نیروهای مسلح تعریفی از تنبیه ارائه نشده است. در ماده ۱۱۱ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح آمده است: «هدف از تنبیه، اصلاح فرد متخلف، تنبیه و آگاهی دیگران می‌باشد و تنبیه نباید جنبه انتقامی داشته باشد». در تعریف تنبیه انضباطی^۱ می‌توان گفت: پاسخ یا واکنش اداری و انضباطی در قبال ارتکاب تخلف انضباطی یا تأدیب و عقوبتی است که به علت ارتکاب تخلف انضباطی حسب مورد توسط فرماندهان و یا هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح در خصوص متهم به تخلف اعمال می‌شود. لازم به ذکر است، به استناد مقررات بند «ث» ماده ۴ دستورالعمل اجرایی قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، کارکنانی که پرونده آنان به لحاظ ارتکاب یک یا چند تخلف در هیئت‌های انضباطی در حال رسیدگی است، عنوان «متهم به تخلف» را دارند. چنانچه برای تخلفی، یکی از تنبیهات چهارگانه «محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت و یا اخراج از خدمت» پیشنهاد گردد، رسیدگی به موضوع و تعیین تنبیه در صلاحیت هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح است.

مبانی نظری

در خصوص مبانی نظری دادرسی عادلانه و منصفانه در حوزه حقوق کیفری و همچنین تسری معیارها و تضمینات آن به رسیدگی‌های شبه قضایی و اداری از سوی حقوق‌دانان نظرها و دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است. در یک نظر حق برخورداری از دادرسی عادلانه و منصفانه یکی از جلوه‌ها و نمودهای اصل برائت محسوب شده است (فاستر^۲، ۲۰۱۱: ۳۰۵). در خصوص اجزا و ارکان تشکیل دهنده

1. Disciplinary punishment.

2. Foster

دادرسی منصفانه گفته شده است: دادرسی منصفانه دایره بزرگی است و مؤلفه‌هایی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها انصاف در دادرسی است. رعایت انصاف در دادرسی به تنهایی، برای اینکه دادرسی منصفانه صورت پذیرد کافی نیست. باید مؤلفه‌های دیگری هم مانند دادگاه مستقل و بی‌طرف و رعایت حقوق اصحاب دعوا وجود داشته باشد، اما هیچ‌کدام از این مؤلفه‌ها به تنهایی کفایت نمی‌کند (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۲). در خصوص تسری قلمرو حقوق کیفری به رسیدگی‌های شبه قضایی و اداری و به تبع آن بهره‌مندی رسیدگی‌های موصوف از الزامات دادرسی عادلانه و منصفانه و مبانی این دیدگاه گفته شده است: تعمیم اصول دادرسی منصفانه به دادرسی‌های اداری مبتنی بر این اندیشه است که قلمرو کیفری علاوه بر دادرسی کیفری، شامل دادرسی‌های اداری نیز می‌گردد. دیوان اروپایی حقوق بشر با توجه به ماده ۶ و روح کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ در جریان شکایت استورک، تبعه ترک مقیم آلمان، اعلام داشت که کلیه تضمیناتی که زیر عنوان «محاكمه عادلانه» و «رسیدگی منصفانه» برای دادرسی کیفری پیش‌بینی شده، قابل تسری به کلیه دعاوی است که دارای نوعی ضمانت اجرای تنبیهی هستند. به عبارت دیگر، اصطلاح محاکمه منصفانه در ماده ۶ شامل ضمانت اجرای اداری، انضباطی، مالیاتی و نظامی می‌شود. لذا کلیه تضمینات معمول در دادرسی کیفری را باید در رسیدگی‌های دیگری که منجر به صدور ضمانت اجرا می‌شود به مورد اجرا گذاشت (تاری وردی و عباسی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). در حوزه جرم‌شناسی و در وجه تمایز مدل دادرسی عادلانه از مدل کنترل جرم، علمای جرم‌شناسی بر این باورند که مدل دادرسی عادلانه قضات کیفری را داوران بی‌طرفی می‌داند که به اختلاف‌های مردم از یک سو و مردم با دولت از سوی دیگر رسیدگی می‌کنند. این مدل اولویت را با تضمین حقوق طرف‌های جرم در جریان دادرسی، یعنی دادرسی عادلانه و رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده می‌دهد. هدف این مدل تأمین امنیت

پایدار و مشروع است، درحالی که تأمین امنیت در مدل کنترل جرم، منوط به استمرار سختگیری‌های کیفری در مفهوم موسع آن است. آنچه مهم می‌نماید تلفیق این دو مدل و برقراری توازن بین آنهاست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۶). لازم به ذکر است پاکر^۱، استاد حقوق کیفری دانشگاه استنفورد، دو الگوی عمده و مهم درباره فرایندهای کیفری شناسایی کرده است که آنها را اصطلاحاً «الگوی کنترل جرم» و «الگوی دادرسی منصفانه» نامیده است (پاکر، ۲۰۱۳: ۱۱۳).

روش تحقیق

انتخاب روش تحقیق مناسب، به هدف‌ها، ماهیت و موضوع تحقیق و امکانات انجام تحقیق بستگی دارد و هدف از تحقیق دسترسی دقیق و آسان به پاسخ پرسش‌های تحقیق است (خاکی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). این پژوهش نظری و هدف آن کاربردی است. روش این تحقیق کیفی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی از قبیل کتاب‌ها، مقاله‌ها و تحقیقات انجام یافته در حوزه‌های رسیدگی هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح و دادرسی منصفانه صورت گرفته است. همچنین از متون قانونی و مقررات مربوط اعم از قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و اسناد ناظر بر دادرسی منصفانه برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق استفاده شده است. ارائه مطالب نیز به سبک توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تفسیر و تحلیل قوانین و مقررات موجود از دیدگاه دادرسی منصفانه است. انتخاب شیوه توصیفی بدین جهت که نگارنده درصدد توضیح نظام‌مند، عینی و دقیق چالش‌های دادرسی تخلفات کارکنان نیروهای مسلح در پرتو معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه بوده است. بر همین اساس ابتدا با استفاده از منابع و اسناد موصوف، وضعیت فعلی رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح از منظر موازین دادرسی منصفانه بدون هیچ‌گونه مداخله یا پیش‌داوری ذهنی توصیف شده

1. packer.

است و پس از آن چالش‌های دادرسی تخلفات نیروهای مسلح به‌خصوص هیئت‌های انضباطی ناجا از دید معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه در ابعاد تقنینی و رویه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

قبل از ورود به این بحث ذکر دو نکته لازم است:

نکته اول: معیارهای دادرسی منصفانه به دو دسته معیارهای ماهوی و معیارهای شکلی تقسیم می‌شوند. معیارهای ماهوی، اصول حقوقی ماهیتی و کلی نظام عدالت کیفری هستند که در تمام رسیدگی‌های قضایی، شبه قضایی و اداری لازم‌الرعایه می‌باشند؛ مانند اصل استقلال مرجع قضایی، بی‌طرفی دادرسان، اصل برائت و اصل قانونی بودن جرم و مجازات. معیارهای شکلی ناظر بر آیین‌های رسیدگی هستند که با هدف حمایت از حقوق طرفین دعوا، به‌عنوان شاخص‌های یک دادرسی مطلوب و منصفانه محسوب می‌شوند. چالش‌های موضوع این پژوهش مربوط به معیارهای شکلی هستند. چنانچه قوانین خاص در این مورد حکمی نداشته باشند، با توجه به اصول کلی حقوقی رجوع به معیارهای حاکم بر قلمرو کیفری بلامانع است.

نکته دوم: در خصوص چالش‌های موضوع تحقیق قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح و دستورالعمل اجرایی آن، مقررات و ضوابط خاص دارند؛ بنابراین با توجه به صراحت مقررات مورد اشاره نمی‌توان جهت رفع چالش‌های دادرسی تخلفات نیروهای مسلح به‌جز در موارد سکوت قانون به قوانین عام دادرسی کیفری استناد نمود. از طرفی رسیدگی هیئت‌های انضباطی افتراقی بوده و هیئت‌ها بر اساس مقررات خاص خود به تخلفات کارکنان رسیدگی می‌کنند. حال به بررسی چالش‌های دادرسی تخلفات نیروهای مسلح با تأکید بر هیئت‌های انضباطی ناجا می‌پردازیم.

۱- چالش مرحله کشف تخلف (عدم پیش‌بینی نهاد خاص کشف تخلف در مقررات رسیدگی هیئت‌های انضباطی)

یکی از چالش‌های مهم تقنینی مربوط به آیین پیش از رسیدگی هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح، عدم پیش‌بینی نهاد خاص کشف تخلف است. نهادی که در دادرسی‌های کیفری تحت عنوان «ضابطان یا مأموران کشف جرم» نقش مهمی در فرایند رسیدگی قضایی دارد. امروزه مرحله کشف جرم یا تخلف یکی از مراحل مهم دادرسی کیفری و یا شبه قضایی و اداری محسوب می‌شود. مرحله پلیس قضایی از مراحل دقیق و حساس دادرسی‌های کیفری است و در این مرحله حقوق و آزادی‌های متهم بیشتر در معرض تضییع و تفریط قرار می‌گیرد. خطوط اصلی سرنوشت کیفری بزهکار در این مرحله ترسیم می‌شود. در حقیقت سنگ بنای دادرسی کیفری است و باید در شکل‌گیری آن دقیق بود (آخوندی، ۱۳۶۸: ۳۲). برابر ماده ۳ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و مواد ۱۳ و ۱۴ دستورالعمل اجرایی آن، رسیدگی به تخلف در هیئت‌های انضباطی صرفاً با پیشنهاد تنبیه از طرف مقامات یاد شده در ماده ۳ قانون موصوف شروع می‌شود. پیشنهاد تنبیه نیز باید حاوی دلایل و مدارک مربوط به تخلف باشد. در هیئت‌های انضباطی نیروی انتظامی، وظیفه کشف تخلف و جمع‌آوری دلایل و مدارک آن حسب مورد و با توجه به ماهیت تخلف بر عهده بازرسی یا حفاظت اطلاعات یا عقیدتی سیاسی است بدون اینکه در قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی این وظیفه برای نهاد‌های یاد شده تعریف شده باشد. البته گزارش و یا ارجاع تخلف به هیئت‌های انضباطی صرفاً از طریق مقامات مجاز پیشنهاد دهنده تنبیه خواهد بود و ضابطان در این مورد وظیفه‌ای ندارند. برابر ماده ۳ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی در نیروی انتظامی، فرمانده نیرو، فرماندهان انتظامی استان‌ها و مقامات هم‌تراز و رؤسای سازمان‌های عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات مجاز به پیشنهاد تنبیهات انضباطی

«محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت و یا اخراج از خدمت» برای کارکنان متخلف تحت امر خود می‌باشند.

در ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری از جهات قانونی شروع به تعقیب محسوب شده است. بدون تردید در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح نیز کشف تخلف و جمع‌آوری ادله و مدارک آن باید به مأموران آموزش دیده محول شود تا با بهره‌گیری از فنون و روش‌های علمی نسبت به کشف تخلف و توصیف دلایل آن اقدام کنند. عدم پیش‌بینی نهاد کشف تخلف در مقررات رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح باعث می‌شود که ادله و مدارک ذکر شده در پیشنهاد تنبیه مقام تعقیب از جامعیت و اتقان قابل قبولی برخوردار نباشد و از طرفی به دلایل له متهم نیز توجهی نشود. شفاف نبودن نحوه تحصیل دلیل و مشخص نبودن نهاد متولی آن در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح، ممکن است مشروعیت ادله و نحوه تحصیل آن‌ها را نیز تحت شعاع قرار دهد. از آنجا که عدالت کیفری مبتنی بر یک فرایند کیفری یا قضایی می‌باشد و قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های رسیدگی نیز بخشی از این فرایند یا پروسه را تشکیل می‌دهند، این خلاء و نقض قانونی و آیینی، تحقق عدالت کیفری را در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح مورد تردید جدی قرار می‌دهد. در نتیجه چالش قانونی موصوف باعث تضییع حقوق متهم و نقض اصول دادرسی منصفانه می‌شود و سرنوشت محاکماتی وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. جهت رفع این چالش پیشنهاد می‌شود با اصلاح مقررات موجود مسئولیت کشف تخلف به صراحت و حسب مورد به ضابطان نظامی موضوع ماده ۶۰۳ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح واگذار شود. در هیئت‌های انضباطی پلیس نیز وظیفه کشف تخلف، جمع‌آوری دلایل و مدارک وقوع آن و تشکیل پرونده تخلفاتی در تخلفات امنیتی به

مأموران حفاظت اطلاعات و در سایر تخلفات مربوط به وظایف انتظامی به کارکنان بازرسی ناجا محول شود.

۲- چالش ساختاری (عضویت مقام پیشنهاد دهنده تنبیه در ترکیب دادرسان هیئت‌های انضباطی)

یکی از مؤلفه‌های مهم دادرسی منصفانه در کنار رعایت حقوق دفاعی متهم، ساختار و سازمان مرجع قضایی و یا اداری رسیدگی کننده به دعوی کیفری و یا تخلفات اداری است. در یک ساختار قضایی یا اداری که بی طرفانه نباشد، نمی‌توان حقوق دفاعی متهم را به طور کامل تضمین نمود. با توجه به اینکه طراحی ساختار و سازمان مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری و همچنین تدوین آیین‌ها و رویه‌های رسیدگی بر عهده مقنن است و یا به تجویز قانون این امر به آیین‌نامه‌های قانونی محول می‌شود، قانون‌گذار در جهت دهی دادرسی منصفانه و بی طرفانه نقش اساسی و بنیادی دارد. تنظیم ساختار قضایی به موجب قانون است و قبل از اینکه عملکرد درون این ساختار، بی طرف باشد، این خود ساختار است که باید بی طرفانه تنظیم شود، چون در صورتی که مقنن ساختار را طرفدارانه تنظیم کرده باشد، طبعاً تلاش در جهت داشتن عملکرد بی طرفانه، نتیجه بحث نخواهد بود (ناجی زواره، ۱۳۹۴: ۱۳۷). منظور از «اصل استقلال و بی طرفی» در دادرسی منصفانه، استقلال و بی طرفی نهاد قضایی و دادرسان است و مستقل نبودن مرجع رسیدگی و یا قضاوت جانب‌دارانه قضات، دادرسی را از حالت عادلانه و منصفانه خارج می‌سازد. در یک رسیدگی قضایی یا اداری، دادگاه و دادرس، مهم‌ترین عواملی هستند که سرنوشت اختلاف یا دعوی طرفین را تعیین می‌کنند. به همین علت رعایت اصول دادرسی منصفانه از سوی دادرسان برای اصحاب دعوا بسیار مهم و حیاتی است تا حدی که هرگونه شائبه وابستگی نهاد رسیدگی کننده یا قاضی می‌تواند

دادرسی را به یک دادرسی غیر منصفانه تبدیل نماید (ترچسل، ۲۰۰۶: ۸۴). امروزه استقلال ساختاری^۲ یا سازمانی از شرایط مهم تحقق استقلال قضایی به عنوان یکی از معیارهای بنیادین دادرسی منصفانه است. استقلال شخصی یا فردی قاضی نیز در فرایند دادرسی عادلانه و منصفانه تأثیر بسزایی دارد. استقلال قاضیان باید در جریان هر رسیدگی جداگانه دقیقاً مشخص شود. استقلال شخصی (فردی) به روند تعیین و انتخاب قاضیان در یک سیستم قضایی مربوط می‌باشد (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۸۷). در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح عضویت مقام پیشنهاد دهنده تنبیه (مقام تعقیب) در ترکیب هیئت‌های انضباطی ناقض اصل بی‌طرفی دادرسان است. امروزه اصل تفکیک مقام تعقیب از مقامات تحقیق و محاکمه از اصول دادرسی منصفانه و از نتایج و آثار اصل استقلال و بی‌طرفی مقامات قضایی محسوب می‌شود. در دادرسی منصفانه قاضی باید دارای معیارهای عینی و شخصی بی‌طرفی باشد. مدعی یا گزارش دهنده جرم یا تخلف نمی‌تواند همزمان در فرایند محاکمه و صدور رأی به عنوان دادرس هم دخالت داشته باشد. این امر به منزله آن است که همواره یک رأی ثابت مخالف علیه شخصی که پرونده وی در هیئت مطرح می‌گردد وجود دارد که این امر خلاف اصل بی‌طرفی است (بهجتی اردکانی، ۱۳۹۶: ۷۵). در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح اصل موصوف رعایت نگردیده است، به نحوی که در ساختار و ترکیب هیئت‌های انضباطی، مقام پیشنهاد دهنده تنبیه نیز به عنوان یکی از اعضای هیئت دادرسان حضور دارد. در نیروی انتظامی اکثر مقامات پیشنهاد دهنده تنبیه به استناد بندهای «ث» مواد ۴ و ۱۵ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و ماده ۶ دستورالعمل اجرایی آن حسب مورد عضو هیئت‌های بدوی و یا تجدید نظر هستند. همچنین به استناد تبصره بند «ث» ماده ۴ قانون یاد شده و مقررات مشابه تبصره ۱ بند «ث» ماده ۶ دستورالعمل اجرایی آن، فرماندهان

1. trechsel.

2. Structural In dependence.

انتظامی استان‌ها در صورتی که بنا به ضرورت و با تصویب هیئت تجدید نظر، هیئت بدوی در استان‌ها تشکیل شود، عضو هیئت موصوف خواهند بود. علاوه بر عضویت مقامات و فرماندهان برجسته و تأثیرگذار نیروهای مسلح در هیئت‌های انضباطی که همزمان اعلام کننده تخلف و پیشنهاد دهنده تنبیه (مقام تعقیب) هم هستند، مسئولین برخی از ارکان و ستاد فرماندهی نیز عضو هیئت‌های انضباطی می‌باشند که رابطه سلسله مراتب فرماندهی و فرمان‌پذیری نیز اصل بی‌طرفی و استقلال دادرسان هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح را مورد خدشه قرار می‌دهد. در هیئت‌های انضباطی نیروی انتظامی جانشین فرمانده ناجا، معاون نیروی انسانی و رئیس بازرسی یا جانشین آنان حسب مورد عضو هیئت‌های انضباطی بدوی یا تجدید نظر نیروی انتظامی هستند که این عضویت منافی اصل بی‌طرفی است. مطابق آنچه که در خصوص اصل استقلال مرجع رسیدگی کننده بیان گردید باید گفت که هیئت‌های انضباطی بدوی و تجدید نظر نیروهای مسلح با توجه به ترکیب اعضای آن، مغایر با اصل استقلال و بی‌طرفی است (ساقیان و محمدی، ۱۳۹۲: ۵۹۵). با توجه به مراتب یاد شده، ساختار، سازمان و ترکیب اعضای هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح یکی از چالش‌های مهم ساختاری دادرسی تخلفات نیروهای مسلح در پرتو معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. برای رفع چالش ساختاری و رعایت اصل بی‌طرفی دادرسان هیئت‌های انضباطی، پیشنهاد می‌شود با اصلاح مقررات مربوط، مقام پیشنهاد دهنده تنبیه حق شرکت در جلسه رسیدگی هیئت انضباطی را نداشته باشد و این مورد از جهات رد دادرس محسوب شود. در هیئت‌های انضباطی ناجا نیز مقامات پیشنهاد دهنده تنبیه حسب مورد مجاز به شرکت در جلسه رسیدگی هیئت مربوط نباشند و جانشین یا معاون آنان در ترکیب دادرسان قرار گیرند.

۳- چالش کارشناسی (عدم پیش‌بینی مقررات خاص و نهاد متولی کارشناسی)

در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح، مقررات کارشناسی به معنای خاصی پیش‌بینی نشده است. در مواردی ممکن است رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح توسط هیئت‌های انضباطی، از نظر فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به اظهار نظر کارشناس داشته باشد، مانند قصور و تقصیر در حفظ و نگهداری جنگ‌افزار، تجهیزات، مهمات و هر گونه اموال و اسناد نظامی و دولتی دارای طبقه‌بندی، سهل‌انگاری در حفظ مواضع و مناطق استحقاقی در مقابل دشمن، تظاهر به بیماری و عدم سلامت (تمارض) و گزارش‌های خلاف واقع. در ماده ۲۵ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و ماده ۱۲ دستورالعمل اجرایی قانون یادشده، با اقتباس از قانون رسیدگی به تخلفات اداری، گروه تحقیق پیش‌بینی شده است. ماده ۲۵ قانون مورد اشاره در این مورد مقرر می‌دارد: «هیئت می‌تواند در صورت تشخیص جهت تکمیل اطلاعات و جمع‌آوری اسناد و مدارک مرتبط، گروه تحقیق تشکیل دهد». برابر مقررات ماده ۱۲ دستورالعمل این قانون، گروه تحقیق متشکل از سه عضو است که حسب مورد از بین کارکنان مجرب و متخصص به موضوع و یا کارشناسان موضوع ماده ۶۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری با تصویب هیئت‌ها انتخاب و با ابلاغ دبیر انجام وظیفه می‌نماید. همچنین در ماده ۵۷ دستورالعمل اجرایی قانون موصوف در مورد رسیدگی به شکایات آمده است: هیئت‌های انضباطی مکلف‌اند شکایت شاکی را بررسی کرده، در صورت ضرورت با استفاده از گروه تحقیق و سایر عواملی که آنان را به کشف حقیقت می‌رساند، احقاق حق نموده و رأی مقتضی را صادر نمایند.

هر چند کارشناسان امور نظامی و انتظامی موضوع ماده ۶۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری هم می‌توانند به عنوان اعضای گروه تحقیق انتخاب شوند و این امر از نقاط مثبت ساختار گروه تحقیق محسوب می‌شود و علاوه بر آن بررسی و تحقیق گروه موصوف می‌تواند

کمک مؤثری در جهت کشف حقیقت و صدور رأی عادلانه و منصفانه توسط هیئت‌های انضباطی باشد، اما با توجه به حدود مسئولیت، وظایف و اختیارات کارشناسان رسمی و فرایند خاص کارشناسی، گروه تحقیق نمی‌تواند جایگزین امر کارشناسی گردد. ممکن است یک امر با ماهیت کارشناسی (اظهار نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و مانند آن) از طرف هیئت انضباطی به گروه تحقیق با ترکیب کارشناسان امور نظامی و انتظامی محول شود، لیکن نظر به اینکه ترتیبات، تشریفات و سیر مراحل انجام کارشناسی از قبیل امکان درخواست تحقیق توسط متهم به تخلف، ابلاغ نظریه گروه تحقیق به وی، امکان ارجاع موضوع به هیئت عالی‌تر در صورت تشخیص هیئت و یا اعتراض متهم، در مقررات رسیدگی هیئت‌های انضباطی پیش‌بینی نشده است، نتیجه بررسی گروه تحقیق، نمی‌تواند یک نظریه کارشناسی به معنای خاص تلقی شود. البته این نقص قانونی بدان معنا نیست که در موارد ضروری، هیئت‌های انضباطی نتوانند از نظر کارشناسان رسمی دادگستری و یا کارشناسان امور نظامی و انتظامی استفاده کنند. با توجه به مراتب یاد شده و اهمیت موضوع کارشناسی ضرورت دارد در اصلاحات مقررات دادرسی تخلفات نیروهای مسلح، چالش امر کارشناسی رفع تا برآیند رسیدگی مبتنی بر عدالت و انصاف باشد؛ زیرا عدم وجود مقررات کارشناسی و در نتیجه قضاوت هیئت انضباطی بدون بهره‌گیری از نظریه کارشناس، منطبق با اصول و موازین دادرسی منصفانه نبوده و از این حیث یکی از چالش‌های دادرسی تخلفات نیروهای مسلح محسوب می‌شود.

جهت رفع چالش کارشناسی پیشنهاد می‌شود ساختاری مشابه کانون کارشناسان رسمی دادگستری تحت نظارت ستاد کل نیروهای مسلح و با رعایت ضوابط و ملاحظات خاص نیروهای مسلح تحت عنوان «کانون کارشناسان رسمی امور نظامی و انتظامی»

تشکیل و متولی امر کارشناسی در هیئت‌های انضباطی گردد. در این حالت کارشناسان امور انتظامی پلیس نیز در ساختار کانون یاد شده قرار می‌گیرند.

۴- چالش محدودیت در انتخاب وکیل (تعیین وکیل یا نماینده از بین کارکنان حقوقی شاغل و یا بازنشسته نیروهای مسلح)

حق انتخاب آزادانه وکیل به‌عنوان یکی از تسهیلات مهم حقوق دفاعی متهم از اصول بنیادین دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. حق موصوف در اسناد بین‌المللی، قانون اساسی و قوانین موضوعه جایگاه خاصی دارد. امروزه یکی از مهم‌ترین اجزای حق دفاع متهم، حق بهره‌مندی از خدمات وکیل است. این حق باعث تقویت اوصاف «عدالت و انصاف» در دادرسی می‌شود. فراهم بودن وقت و تسهیلات کافی برای دفاع متهم و ارتباط وی با وکیل منتخب خود، از جمله حقوقی است که مراجع قضایی باید در راستای پاسداری از حق دفاع متهم رعایت کنند (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۱۲۷). برابر مقررات ماده ۲۴ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، متهم به تخلف و شاکی موضوع این قانون می‌تواند برای دفاع از اتهام انتسابی و یا شکایت مطروحه، وکیل یا نماینده از بین کارکنان حقوقی شاغل و بازنشسته نیروهای مسلح، به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات انضباطی نیروهای مسلح معرفی نماید. همچنین برابر ماده ۱۸ دستورالعمل اجرایی قانون موصوف، وکیل باید از بازنشستگان و نماینده نیز باید از بین کارکنان شاغل و یا بازنشسته سازمان متبوع متهم به تخلف و یا شاکی باشد. به رسمیت شناختن یکی از اصول بنیادین دادرسی منصفانه یعنی «حق بهره‌مندی از وکیل» در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح که در قوانین قبلی رسیدگی به تخلفات انضباطی کارکنان سابقه نداشته است، از نقاط قوت و از تحولات مثبت و نوآوری‌های مهم قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح محسوب می‌شود. با این وصف ایجاد محدودیت در دسترسی به وکیل منتخب، تعیین شرایط خاص برای وکیل و نماینده و یا محدود نمودن

تسهیلات دفاعی با موازین دادرسی منصفانه سازگاری ندارد. از جمله مصادیق چالش امر و کالت در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح از منظر شاخص‌ها و معیارهای دادرسی منصفانه عبارت‌اند از:

- طرفین دعوا الزاماً باید وکیل یا نماینده از بین کارکنان حقوقی شاغل و یا بازنشسته سازمان مربوط انتخاب کنند. این الزام قانونی با معیار دادرسی منصفانه مبنی بر «حق انتخاب آزاد وکیل و یا دسترسی به وکیل مورد دلخواه» سازگاری ندارد. این موضوع به خصوص در انتخاب نماینده از بین کارکنان شاغل یگان متبوع شاکی یا متهم به تخلف نمود بیشتری دارد. بدون تردید وابستگی شغلی و سازمانی نماینده حقوقی متهم به تخلف که معمولاً در سلسله مراتب فرماندهی مقام پیشنهاد دهنده تنبیه، رؤسای هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح و فرماندهان ارشد عضو هیئت‌های موصوف قرار دارد، در دفاع آزادانه از متهم تأثیرگذار است.

- ماده ۱۸ دستورالعمل اجرایی قانون موصوف، فراتر از ماده ۲۴، انتخاب نماینده یا وکیل را منحصر به کارکنان سازمان متبوع متهم به تخلف و یا شاکی نموده که مقرره مورد اشاره مغایر با «اصل حاکمیت قانون» و «حقوق دفاعی متهم» است. ضمن اینکه از لحاظ سلسله مراتب سازمانی، مشخص نشده تا چه سطحی از نیروهای مسلح، مشمول عنوان «سازمان متبوع متهم یا شاکی» می‌گردد (یزدانیان، ۱۳۹۷: ۱۳).

- برابر تبصره ماده ۱۸ دستورالعمل اجرایی، حضور وکیل یا نماینده در جلسه هیئت بدون حضور فرد متهم به تخلف، ممنوع است. این محدودیت ضمن اینکه در ماده ۲۴ قانون مورد اشاره پیش‌بینی نشده، باعث تضییع حقوق دفاعی متهم می‌شود. در قلمرو کیفری منعی در خصوص حضور وکیل بدون حضور متهم در فرایند دادرسی به‌جز در موارد خاص وجود ندارد.

- به استناد قسمت اخیر ماده ۱۹ دستورالعمل اجرایی، دیر قبل از تشکیل جلسه باید نسبت به اخذ تأییدیه‌های لازم خصوصاً امنیتی از مبادی ذی‌ربط اقدام نماید. صرف نظر از اینکه مقررات موصوف در قانون پیش‌بینی نشده و از این حیث مغایر با «اصل حاکمیت قانون و یا قانونی بودن دادرسی» می‌باشد، ضوابط و معیارهای خاصی نیز جهت احراز صلاحیت و کیل یا نماینده تعیین نشده است. عدم احراز صلاحیت و کیل یا نماینده با توجه به محدودیت وقت ممکن است باعث محرومیت متهم از خدمات و کیل یا نماینده شود. ضمن اینکه در این خصوص سازوکار مشخصی در مورد انتخاب مجدد و کیل یا نماینده نیز در نظر گرفته نشده است. با توجه به فرایند یاد شده، در صورت عدم تجدید وقت رسیدگی توسط هیئت، امکان دارد فرصت کافی برای وکیل یا نماینده جهت مطالعه و خلاصه‌برداری پرونده نیز وجود نداشته باشد. در هیئت‌های انضباطی پلیس نیز متهم به تخلف یا شاکی الزاماً وکیل یا نماینده خود را باید از بین کارکنان حقوقی شاغل یا بازنشسته ناجا انتخاب کنند. از لحاظ سلسله مراتب سازمانی، ذینفع می‌تواند وکیل یا نماینده خود را از بین کارکنان یگان محل خدمت و یا از کارکنان واجد شرایط ستاد نیروی انتظامی انتخاب کند. البته وکیل باید از بین کارکنان بازنشسته ناجا که دارای پروانه رسمی و کالت هستند انتخاب شود.

جهت رفع چالش محدودیت در انتخاب وکیل با رعایت اصل محرمانگی دادرسی تخلفات نیروهای مسلح، پیشنهاد می‌شود با اصلاح قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، شرایط اختصاصی تعیین وکیل به شرحی که بیان شد صرفاً ناظر بر تخلفات امنیتی شود و در سایر تخلفات، انتخاب وکیل تابع عمومات و کالت در قلمرو کیفری باشد.

۵- چالش عدم الزام قانونی هیئت‌های انضباطی به تفهیم ادله اتهام به متهم

«حق تفهیم اتهام و ادله آن به متهم» یا «حق آگاهی از موضوع و دلایل اتهام» حق اساسی و پایه‌ای دادرسی درست و مبتنی بر «عدل و انصاف» را تشکیل می‌دهد. این حق

زیربنای ساختار سایر حقوق دفاعی متهم از جمله «حق برخورداری از فرصت و تسهیلات دفاع و بهره‌مندی از وکیل» است؛ زیرا پس از تفهیم اتهام و ادله آن، مشتکی عنه یا مظنون به ارتکاب جرم به‌عنوان «متهم» وارد پروسه یا فرایند دادرسی کیفری می‌شود. «حق تفهیم اتهام» با «حق تفهیم ادله اتهام به متهم» قابل تجزیه و تفکیک نیست. ارتباط و پیوستگی اتهام با دلایل آن، ضرورت تفهیم این حق را به‌طور کامل ایجاب می‌نماید. حق تفهیم اتهام و ادله آن به متهم در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی ناظر بر دادرسی منصفانه جایگاه خاصی دارد.^۱ علاوه بر ضرورت تفهیم اتهام و ادله آن به متهم، نحوه بیان و تفهیم نیز باید صریح و به‌زبانی ساده، روشن و قابل فهم و درک باشد و عنوان درست اتهام و ماهیت جرم برای متهم تبیین و توصیف شود؛ زیرا نا آگاهی و جهل متهم نسبت به نوع، طبیعت و ادله اتهام، ارکان حق دفاع و دادرسی منصفانه را متزلزل می‌نماید.

در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح تفهیم موضوع تخلف به متهم در ماده ۸ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و ماده ۲۷ دستورالعمل اجرایی آن پیش‌بینی شده است. در مقررات مورد اشاره قید «صریح بودن تفهیم موضوع تخلف» که یکی از اجزای مهم «حق تفهیم اتهام» است به‌عنوان معیار و شاخص بنیادین دادرسی منصفانه بیان نشده است. این امر ممکن است باعث تفهیم موضوع تخلف به‌صورت کلی و مبهم شود و حقوق دفاعی متهم را تضییع نماید. با توجه به اینکه بسیاری از عناوین تخلفات مذکور در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح کلی و قابل تفسیر موسع هستند، این نگرانی بیشتر نمود پیدا می‌کند.

۱. نگاه کنید به: بند «۲» ماده ۹ و بند «۳» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند «۲» ماده ۵ و بند «۳» ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند «۱» ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اصل ۳۲ قانون اساسی ایران و مواد ۵، ۴۶، ۱۹۵ و ۳۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری.

چالش مهم تری که در زمینه تفهیم موضوع تخلف به متهم در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح وجود دارد، عدم الزام هیئت‌های انضباطی به تفهیم ادله تخلف به متهم است. تفهیم موضوع تخلف به متهم بدون تبیین دلایل آن خلاف اصل ۳۲ قانون اساسی و از موارد نقض اصول دادرسی منصفانه است. هرچند که در رویه، هیئت‌ها معمولاً هنگام تفهیم موضوع تخلف به متهم، ادله آن را نیز بیان می‌کنند، اما این حق بنیادی در صورتی که دارای الزام و ضمانت اجرای صریح قانونی باشد، واجد منشاء اثر حقوقی است. از طرفی ممکن است دلایل به صورت شفاهی و یا ناقص برای متهم بیان شود و وی نتواند آن‌ها را بررسی و ارزیابی کند و در نتیجه در دفاع کامل از خود ناتوان باشد. با توجه به مراتب پیش گفته، در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح در مرحله تفهیم اتهام، عدم الزام هیئت‌های انضباطی به تفهیم موضوع تخلف به شکل صریح به متهم و همچنین تفهیم ادله و مدارک اتهام به وی، ناقض «حق تفهیم اتهام و ادله آن به متهم و یا حق آگاهی از موضوع تخلف و دلایل مربوط» است و یکی از چالش‌های رسیدگی منصفانه محسوب می‌شود. با اصلاح ماده ۸ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و ماده ۲۷ دستورالعمل اجرایی آن و تسری سازوکار پیش‌بینی شده در قلمرو کیفری به دادرسی تخلفات نیروهای مسلح و هیئت‌های انضباطی ناجا مبنی بر الزام هیئت‌ها به تفهیم موضوع تخلف و ادله آن به شکل صریح به متهم، چالش موصوف رفع می‌شود و متهم یا وکیل او می‌تواند با آگاهی کامل نسبت به دلایل اتهام از حق تدارک دفاع به نحو مؤثر استفاده کند.

۶- چالش دادرسی غیابی و غیر تناظری در رسیدگی به شکایات و تعیین

وضعیت خدمتی کارکنان

حق بر حضور در محاکمه و ضرورت تناظری و توافقی بودن دادرسی که با اصل برابری سلاح‌ها نیز مرتبط است، از ارکان سازنده دادرسی عادلانه و منصفانه محسوب

می‌شود. این اصل در اسناد جهانی و منطقه‌ای به خصوص ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی جایگاه خاصی دارد. اصل حضوری بودن دادرسی در مراجع کیفری و اداری تضمین‌کننده اصول تناظر و استماع بوده و از لوازم حق دادخواهی و دفاع می‌باشد. در حقوق ایران هرچند اصل حضوری بودن دادرسی در اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری به صراحت بیان نگردیده است، لیکن مفاد آن در مواد متعدد قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است.

در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح و در موضوع رسیدگی به تخلفات کارکنان مواد ۶ و ۷ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و مواد ۱۶ و ۲۵ دستورالعمل اجرایی آن دلالت بر رسیدگی حضوری دارد. در صورتی که رسیدگی غیابی به خواست خود متهم و ناشی از عدم حضور وی در فرایند دادرسی کیفری علی‌رغم امکان رسیدگی حضوری باشد به شرط رعایت حقوق متهم و بهره‌مندی از تضمین‌های لازم، مغایرتی با اصول دادرسی منصفانه ندارد؛ اما چنانچه در قوانین «اصل حضوری و یا تناظری بودن دادرسی» مورد خدشه قرار گیرد، رسیدگی غیرمنصفانه خواهد بود و اصول یاد شده و همچنین اصل برابری سلاح‌ها و حق برخورداری از فرصت و تسهیلات دفاعی متهم نقض می‌گردد. در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح در ترتیبات رسیدگی به شکایات کارکنان نیروهای مسلح در امور خدمتی و از اعمال و رفتار غیرقانونی فرماندهان، رؤسا و مدیران، الزامی بودن حضور متهم در رسیدگی و همچنین تناظری و توافقی بودن دادرسی پذیرفته نشده است. برابر مقررات ماده ۳۰ قانون یاد شده، هیئت علاوه بر رسیدگی به مدارک و ادله ارائه شده از سوی شاکی، در صورت ضرورت از شاکی، مشتکی‌عنه و سایر اشخاص برای حضور در جلسه و ادای توضیحات دعوت می‌نماید. هرچند که مفاد ماده موصوف در ماده ۵۲ دستورالعمل اجرایی نیز آمده است، اما ماده ۵۱ دستورالعمل به صراحت اصل غیرحضوری بودن رسیدگی به شکایات را مورد حکم قرار داده است.

ماده یادشده مقرر می‌دارد: «رسیدگی به شکایات حسب مورد در هیئت‌های بدوی و تجدید نظر و بدون حضور شاکی و مشتکی‌عنه انجام می‌پذیرد و رأی صادره از سوی هر یک از این هیئت‌ها قطعی و از تاریخ ابلاغ، لازم‌الاجرا خواهد بود».

رسیدگی غیابی به شکایات کارکنان به خصوص زمانی که رفتار ارتكابی واجد جنبه تخلف و مستلزم حضور متهم می‌باشد، خلاف اصول دادرسی منصفانه است، زیرا این نوع رسیدگی باعث می‌شود که مشتکی‌عنه و یا متهم به تخلف از حقوق مسلم دفاعی خود محروم گردد. همچنین رسیدگی در غیاب طرفین دعوا، ناقض اصل تناظری و توافقی بودن دادرسی است. این چالش زمانی حادتر می‌شود که با توجه به تجویز مقررات مورد اشاره به خصوص ماده ۵۲ دستورالعمل، هیئت در دعوی طرفینی، می‌تواند یکی از طرف‌های دعوا و یا شهود معرفی شده از سوی وی را به جلسه رسیدگی دعوت کند. در این فرض علاوه بر نقض اصول پیش‌گفته، اصل موازنه و برابری سلاح‌ها و توازن ادله و مدارک ارائه شده نیز به شدت مورد خدشه قرار می‌گیرد و دادرسی را یک‌طرفه و از مسیر انصاف و عدالت خارج می‌سازد.

علاوه بر رسیدگی به شکایات، در موضوع تعیین وضعیت خدمتی کارکنان نیروهای مسلح (از نظر ادامه خدمت یا پایان خدمت آنان به لحاظ از دست دادن صلاحیت ادامه خدمت) توسط هیئت‌های انضباطی، هم چالش رسیدگی غیابی به‌طور جدی‌تر وجود دارد. قانون موصوف در خصوص نحوه رسیدگی به وضعیت خدمتی کارکنان ساکت است، ولی ماده ۶۷ دستورالعمل اجرایی فراتر از قانون مقرر نموده: «هیئت‌های بدوی و تجدید نظر به‌جز مواردی که رسیدگی به آن‌ها نیاز به پیشنهاد تنبیه و یا تقدیم شکایت دارد، ملزم به رعایت تشریفات رسیدگی موضوع این دستورالعمل نبوده، بلکه بر اساس درخواست و مستندات ارائه شده، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌نماید». از جمله تشریفات مهم رسیدگی هیئت‌ها، دعوت اشخاص به حضور در جلسات هیئت‌ها یا

به عبارت دیگر، رسیدگی حضوری است. این مقررات بدین معنا می‌باشد که در این موارد مهم، نیازی به ابلاغ موضوع و وقت جلسه هیئت به ذی‌نفع و همچنین حضور وی یا معرفی وکیل یا نماینده نمی‌باشد. به نظر می‌رسد در مواردی که تعیین وضعیت خدمتی کارکنان نیروهای مسلح در ارتباط با محکومیت کیفری قطعی آنان و یا از دست دادن صلاحیت ادامه خدمت می‌باشد، حضور فرد در جلسه هیئت و استماع دفاعیات و یا اظهارات وی در کشف حقیقت و روشن شدن واقعیت بسیار مؤثر است. رسیدگی غیابی در موارد یادشده موجب نقض اصول دادرسی منصفانه از جمله سلب حقوق دفاعی کارکنان می‌شود.

با توجه به مراتب یاد شده، در هیئت‌های انضباطی نیروی انتظامی از سه جهت شروع به رسیدگی هیئت‌ها یعنی: ۱- رسیدگی به تخلفات کارکنان ناجا؛ ۲- رسیدگی به شکایات کارکنان نیروی انتظامی در امور خدمتی و از اعمال و رفتار غیرقانونی فرماندهان؛ ۳- تعیین وضعیت خدمتی کارکنان ناجا. فقط در حالت اول، رسیدگی حضوری پذیرفته شده است. در حالت دوم، اصل بر رسیدگی غیابی است، مگر آن‌که هیئت حضور طرفین دعوا را در جلسه هیئت ضروری بداند و در حالت سوم به صورت مطلق رسیدگی غیابی تجویز شده است.^۱ بنابراین رسیدگی غیابی و غیر تناظری یکی از چالش‌های مهم دادرسی تخلفات نیروهای مسلح محسوب می‌شود. پیشنهاد می‌شود با اصلاح مقررات مورد اشاره و به تبعیت از قواعد حاکم بر قلمرو کیفری، علاوه بر تخلفات، رسیدگی به شکایات کارکنان در امور خدمتی و همچنین تعیین وضعیت خدمتی آنان (به جز موارد خاص که نیازی به حضور کارکنان نیست) نیز به صورت حضوری باشد.

۱. ماده ۳۰ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح و مواد ۵۱، ۵۲ و ۶۷ دستورالعمل اجرایی آن.

۷- چالش صدور رأی (ملاک عمل بودن نظر رئیس جلسه در صورت تساوی آراء)

هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح بر اساس سیستم تعدد دادرس به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح رسیدگی می‌کنند. برابر ماده ۱۹ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، جلسات هیئت‌ها با حضور دو سوم اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات هیئت با رأی اکثریت اعضای حاضر معتبر است. با توجه به مقررات ماده ۲۳ دستورالعمل اجرایی قانون موصوف، در هیئت‌های هفت نفره جلسه با پنج عضو و در هیئت‌های پنج نفره با چهار عضو رسمیت یافته و رأی هیئت با اکثریت اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. تبصره ماده ۲۳ ضابطه‌ای مقرر نموده که با موازین دادرسی منصفانه مغایرت دارد و فراتر از مقررات ماده ۱۹ قانون یاد شده هم می‌باشد. طبق مقررات تبصره مورد اشاره: «در صورت تساوی آراء، جلسه رسیدگی برای یک بار تجدید شده و مجدداً رأی گیری صورت می‌پذیرد. در صورتی که با تجدید جلسه نیز همچنان تساوی آراء باقی باشد، نظر رئیس جلسه ملاک عمل خواهد بود». شیوه مقرر در قسمت اخیر تبصره ماده ۲۳، یعنی ملاک عمل بودن نظر رئیس جلسه در صورت تساوی آراء، با اصول رسیدگی منصفانه مخصوصاً اگر نظر رئیس بر محکومیت و نظر مقام قضایی (نماینده سازمان قضایی) بر برائت متهم باشد سازگاری ندارد. با توجه به برتری جایگاه مراجع قضاوتی قضایی نسبت به مراجع اداری، رأی مقام قضایی نسبت به رأی مقام اداری دارای تقدم و اولویت است. عهده‌دار بودن ریاست جلسه نیز نمی‌تواند دلیل قابل قبولی جهت برتری رأی مقام اداری نسبت به مقام قضایی باشد. برتری و تقدم نظر مرجع قضایی در مقررات هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ همچنین از لحاظ فنی و تخصصی نیز نظر مقام قضایی در مورد احراز یا عدم

۱. مواد ۲۳ و ۳۱ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و مواد ۶۳ و ۹۱ دستورالعمل اجرایی آن.

احراز شرایط عمومی و اختصاصی «جرم یا تخلف» نسبت به نظر مقامات غیر قضایی برتری دارد؛ بنابراین ضرورت دارد در حالت تساوی آراء و حداقل در فرض اعتقاد قاضی به بی‌گناهی متهم، نظری بر اساس اصل برائت ملاک عمل باشد. با توجه به جایگاه سازمانی رئیس جلسه که در اکثر جلسات رئیس هیئت عهده‌دار این مسئولیت است و در بسیاری از موارد، رئیس هیئت همان مقام پیشنهاد دهنده تنبیه (مقام تعقیب) نیز می‌باشد و پیش فرض مجرمیت متهم نیز طبق نظر وی قابل تصور است، قاعده موصوف یعنی ملاک عمل بودن نظر رئیس جلسه نمی‌تواند مبتنی بر معیارهای رسیدگی عادلانه و منصفانه باشد.

در تطبیق مقررات موصوف با ترکیب هیئت بدوی نیروی انتظامی، در صورت تساوی آراء در جلسه دوم، رأی معاون نیروی انسانی ناجا یا جانشین وی و در هیئت‌های بدوی عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات رأی معاون هماهنگ‌کننده سازمان‌های موصوف به‌عنوان رئیس جلسه ملاک عمل خواهد بود. در نظام دادرسی کیفری ایران و در مواردی که دادگاه‌ها با سیستم تعدد قضات اداره می‌شود، رأی اکثریت تمام اعضاء ملاک است و در صورت تساوی آراء، قاضی دیگری به ترکیب قضات دادگاه اضافه می‌شود تا رأی اکثریت حاصل شود. با توجه به مراتب یاد شده، تبصره ماده ۲۳ دستورالعمل اجرایی که دلالت بر ملاک عمل بودن رأی رئیس جلسه در صورت تساوی آراء، دارد خلاف اصل برائت و معیارهای دادرسی منصفانه است و یکی از چالش‌های مرحله رسیدگی و صدور رأی هیئت‌های انضباطی محسوب می‌شود. جهت رفع این چالش پیشنهاد می‌گردد با اصلاح ماده ۱۹ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی قید شود: «در صورت تساوی آراء و در فرض اعتقاد قاضی هیئت به بی‌گناهی متهم، نظری ملاک عمل است. در غیر این صورت یک نفر عضو علی‌البدل به ترکیب هیئت اضافه می‌شود تا رأی اکثریت حاصل گردد».

۸- چالش شکایت از آراء (قابل واخواهی نبودن آرای غیابی هیئت‌ها و محدود بودن آرای قابل اعتراض)

یکی از جلوه‌های بارز دادرسی منصفانه «حق تجدید نظرخواهی متهم» است. با توجه به اصل برائت و بر مبنای حق طبیعی و فطری بشری، محکوم‌علیه حق دارد حکم اولیه محکومیت خود را نپذیرد و از یک دادگاه یا مرجع عالی‌تر درخواست تجدیدنظر کند. در حقوق ایران شکایت عادی از آراء با سه روش واخواهی، تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی امکان‌پذیر است. شکایت از آراء از طریق فوق‌العاده نیز در قالب درخواست اعاده دادرسی قابل اعمال می‌باشد. مهم‌ترین آثار پذیرش حق تجدید نظرخواهی که منجر به اعمال دادرسی منصفانه می‌شود، جلوگیری از مجازات متهمان بی‌گناه، افزایش دقت در رسیدگی و کاهش خطاها و اشتباهات قضایی است. حق تجدید نظرخواهی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح به تبع قواعد قلمرو کیفری حق شکایت از آراء به رسمیت شناخته شده است، اما اعمال این حق همراه با چالش‌هایی است که آن را در دو قسمت واخواهی و تجدید نظرخواهی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

- واخواهی

بر اساس ماده ۶ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، چنانچه دعوت شده یک بار بدون عذر موجه در جلسه هیئت حضور نیابد و یا دفاعیه کتبی ارسال ننماید با دعوت مجدد از او، هیئت وارد رسیدگی می‌شود و تصمیم می‌گیرد. عدم حضور وی در جلسه دوم مانع از تصمیم‌گیری هیئت نیست. برابر ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از

۱. نگاه کنید به: بند «۵» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند «۲» ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند «الف» ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام و ماده ۸۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

رسیدگی، رأی غیابی صادر می‌کند. همچنین به استناد تبصره ماده ۱۸ دستورالعمل اجرایی، حضور و کیل یا نماینده در جلسه هیئت، بدون حضور فرد متهم به تخلف ممنوع می‌باشد. با این وصف در صورت عدم حضور متهم در جلسه هیئت، و کیل وی هم نمی‌تواند نقشی در حضوری یا غیابی محسوب شدن رأی هیئت داشته باشد. علی‌رغم اینکه اصل رسیدگی غیابی در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح پذیرفته شده و در ماده ۳۵ دستورالعمل اجرایی هم هیئت ملزم شده است که در رأی خود «حضوری یا غیابی بودن رأی» را ذکر کند، اما حق وخواهی محکوم علیه از رأی غیابی پذیرفته نشده است، یعنی بدون اینکه مرحله وخواهی طی شود پرونده وارد پروسه تجدیدنظرخواهی می‌گردد. نکته مهم‌تر این است که چنانچه متهم غیاباً یا در رسیدگی حضوری به هر یک از تنبیهات مقرر در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح (غیر از معافیت یا اخراج از خدمت) مانند تنزیل درجه یا رتبه یا محرومیت از ترفیع محکوم شود، رأی هیئت به استناد ماده ۱۰ قانون موصوف و ماده ۳۹ دستورالعمل اجرایی آن قطعی است. قطعیت رأی غیابی با رسیدگی مبتنی بر انصاف سازگاری ندارد و از این حیث مقررات مربوط باید منطبق با قوانین دادرسی کیفری اصلاح شود. با توجه به اینکه وخواهی از رأی غیابی در مقررات رسیدگی هیئت‌های انضباطی پذیرفته نشده است، درج عبارت «حضوری یا غیابی بودن رأی» در رأی هیئت که در ماده ۳۵ دستورالعمل اجرایی بیان شده است، اثر عملی نداشته و هیچ کارکرد حقوقی برای آن متصور نیست.

بر وخواهی آثار مثبت متعددی مترتب است، از جمله می‌توان به توقف اجرای حکم، ممنوعیت تشدید مجازات، قابل جمع بودن با حق تجدیدنظرخواهی و اختصاص حق موصوف به متهم اشاره کرد (مهابادی، ۱۳۹۳: ۲۶۸). با توجه به مراتب یاد شده، عدم پذیرش حق وخواهی محکوم علیه در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح نقض اصول

دادرسی منصفانه از جمله «حق شکایت از آراء» محسوب می‌شود و باعث تضییع حقوق دفاعی وی می‌گردد.

- تجدید نظر خواهی

با توجه به مقررات مواد ۱۰ و ۲۹ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح «اصل قطعیت آراء» پذیرفته شده است. در ماده ۱۰ آمده است: «آرای هیئت بدوی، جز در موارد اخراج و معافیت از خدمت، قطعی و این آراء از تاریخ ابلاغ، لازم‌الاجرا است». در رسیدگی به شکایات کارکنان در امور خدمتی و از اعمال و رفتار غیرقانونی فرماندهان نیز کلیه آرای هیئت‌ها قطعی اعلام شده است. در این مورد ماده ۲۹ قانون موصوف مقرر می‌دارد: «... هیئت‌ها پس از رسیدگی به شکایت شاکی مکلف‌اند رأی مقتضی را در استیفای حقوق او صادر نمایند. آرای صادره از تاریخ ابلاغ رأی، قطعی و لازم‌الاجرا است». مشابه مقررات مورد اشاره در مواد ۳۹ و ۵۱ دستورالعمل اجرایی قانون یاد شده نیز بیان شده است. آرای هیئت‌ها در مورد تعیین وضعیت خدمتی کارکنان نیروهای مسلح هم قابلیت تجدید نظر خواهی ندارند. هرچند قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح و دستورالعمل اجرایی آن در این خصوص ساکت است، لیکن با توجه به اصل قطعیت آراء در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح و قطعی بودن آراء در باب رسیدگی به شکایات، ابهامی در قطعیت آرای هیئت‌های انضباطی در مورد تعیین وضعیت خدمتی کارکنان وجود ندارد. نکته حائز اهمیت این است که در رسیدگی به شکایات، اصل بر رسیدگی غیابی است و آرای صادر شده هم فاقد آثار آرای غیابی از جمله، حق واخواهی می‌باشد. در رسیدگی به وضعیت خدمتی کارکنان نیز امکان رسیدگی حضوری مطلقاً وجود ندارد و آرای هیئت‌ها هم در این مورد قابلیت واخواهی یا تجدید نظر خواهی ندارند.

در رسیدگی به تخلفات هم علاوه بر این که اصل قطعیت آرای هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح با اصول دادرسی منصفانه مغایرت دارد، باعث تضییع حقوق متهم نیز

می‌شود. تنبیهاتی که بر اساس ماده ۱۰ قانون موصوف و ماده ۳۹ دستورالعمل اجرایی آن، از تاریخ ابلاغ رأی هیئت‌ها باید اجرا شوند و امکان تجدید نظرخواهی برای متهم وجود ندارد، آثار مهمی بر سرنوشت خدمتی کارکنان دارند. اصولاً تخلفاتی که رسیدگی به آن‌ها از اختیارات فرماندهان خارج شده و در صلاحیت هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح قرار گرفته و باید با رعایت مقررات و تشریفات خاصی رسیدگی شوند، دارای اهمیت خاصی می‌باشند. در اعمال این گونه تنبیهات باید اصل بر قابل تجدیدنظر بودن آرای هیئت‌ها باشد نه اصل بر قطعیت آراء. برخی از تنبیهات موضوع آرای قطعی هیئت‌ها مانند تنزیل درجه یا رتبه و محرومیت از ترفیع از اهمیت خاصی برخوردار است و تفاوت زیادی با «معافیت از خدمت» که بر اساس سنوات خدمتی، فرد از خدمت بازنشسته یا بازخرید می‌شود، ندارد و شاید مهم‌تر از تنبیه موصوف هم باشد.

چالش مهم دیگری که در مورد اعمال حق تجدیدنظرخواهی یا قطعیت آراء وجود دارد مربوط به پرونده‌هایی است که مستقیماً در هیئت‌های تجدید نظر رسیدگی می‌شود. به عبارت دیگر، آرای که هیئت تجدیدنظر در مقام رسیدگی بدوی صادر می‌کند. برابر مقررات مواد ۶ و ۹۳ دستورالعمل اجرایی در دو مورد تخلفات کارکنان مستقیماً در هیئت تجدیدنظر رسیدگی می‌شود.

مورد اول: رسیدگی به پرونده تخلفات هیئت رئیسه و معاونین نیروها، نمایندگی ولی فقیه و سازمان حفاظت اطلاعات و هیئت رئیسه سپاه‌های استانی و هم‌تراز آنان، معاونین و مسئولین ادارات ستاد فرماندهی کل سپاه که در هیئت تجدید نظر سپاه رسیدگی می‌شود.

مورد دوم: رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت‌های بدوی انضباطی سازمان‌های نیروهای مسلح که در هیئت تجدید نظر همان سازمان رسیدگی می‌شود.

موارد یاد شده در قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح ذکر نشده و مقررات دستورالعمل از این حیث فراتر از حدود قانون و مغایر با اصول «حاکمیت قانون و قانونی بودن دادرسی» است. همچنین رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت‌های بدوی انضباطی در هیئت تجدید نظر سازمان مربوط نقض «اصل بی طرفی» نیز محسوب می‌شود. علاوه بر نقض معیارهای موصوف، مقررات مورد اشاره «حق تجدید نظرخواهی» متهم را نیز سلب می‌کند. زیرا آرای هیئت تجدید نظر قطعی بوده و در موارد یاد شده نیز سازوکاری جهت اعمال حق اعتراض متهم پیش‌بینی نشده است. چنانچه تخلفات موصوف در هیئت بدوی رسیدگی شود و رأی هیئت مبنی بر اخراج یا معافیت از خدمت باشد، محکوم علیه می‌تواند از حق تجدیدنظرخواهی موضوع ماده ۱۰ قانون یاد شده بهره‌مند شود. درحالی که رسیدگی در هیئت تجدید نظر، اعمال این حق را منتفی می‌کند. در رسیدگی هیئت‌های انضباطی نیروی انتظامی، ایراد دادرسی منصفانه مذکور در بند ۱، یعنی رسیدگی مستقیم به پرونده تخلفات هیئت رئیسه ناجا، سازمان‌های عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات و هیئت رئیسه فرماندهان انتظامی استان‌ها و مقامات هم‌تراز آنان، در هیئت تجدید نظر ناجا وجود ندارد. در نتیجه در این مورد حق تجدید نظرخواهی متهم در حدود مقررات ماده ۱۰ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی وجود دارد و تضييع نمی‌شود.

ملاحظه می‌شود که «اصل قطعیت آراء» در هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح، دامنه گسترده‌ای دارد و باعث تضييع حقوق دفاعی متهم و نقض «حق تجدیدنظرخواهی» به‌عنوان یکی از اصول اساسی و راهبردی دادرسی منصفانه می‌شود. برای رفع چالش شکایت از آراء و هماهنگی با قواعد پذیرفته شده در قلمرو کیفری، پیشنهاد می‌شود با اصلاح مقررات مربوط: ۱- حق واخواهی محکوم علیه از کلیه آرای غیابی هیئت‌ها به خصوص هیئت‌های انضباطی ناجا پیش‌بینی شود؛ ۲- قابل تجدیدنظر بودن آرای

هیئت‌های انضباطی به‌عنوان اصل پذیرفته شود و صرفاً در مورد تنبیهات پایین‌تر از تنزیل درجه یا رتبه مانند محرومیت از ترفیع آرای هیئت‌ها قطعی باشد.

۹- چالش‌ها از منظر تضمینات دادرسی منصفانه

الزام‌آور بودن و داشتن ضمانت اجرای کافی (تضمین از سوی دولت) از اوصاف و ویژگی‌های مهم قواعد حقوقی محسوب می‌شوند. برای رعایت معیارها و شاخص‌های بنیادین دادرسی منصفانه به‌عنوان بخشی از قواعد حقوقی توسط تابعان حقوق و متولیان فرایند دادرسی کیفری، مقنن باید ضمانت‌اجراهای کافی پیش‌بینی نماید. در غیر این صورت اهداف مهم دادرسی کیفری یا اداری به خصوص تضمین حقوق طرفین دعوا، محقق نمی‌شود. ماهیت ضمانت‌اجراهای موصوف حسب مورد ممکن است اداری-انتظامی، کیفری، قضایی و یا مدنی (جبران خسارت) باشد.

در کنار ابزار قهرآمیز الزام‌آور (ضمانت اجرای کیفری) قانون‌گذار تدابیر جبران ضرر و زیان و خسارت وارده بر شهروندان و تدابیر اداری و انتظامی را نیز وضع کرده است. ضمانت اجرای اداری و انتظامی و جبران خسارت در قبال نقض قواعد دادرسی منصفانه ممکن است حسب مورد برای کلیه دست‌اندرکاران و متولیان تحقق عدالت اعم از ضابطان، کارشناسان، و کلا، قضات و اعضای هیئت‌های انضباطی اعمال شود. در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح تضمینات کافی برای رعایت معیارها و اصول دادرسی منصفانه در نظر گرفته نشده است. در این مورد می‌توان به عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای لازم در مورد «الزام هیئت‌های انضباطی به دعوت متهم به تخلف جهت حضور در جلسه رسیدگی و استماع دفاعیات او، الزام به تفهیم ادله اتهام به متهم و استماع دفاعیات او، الزام هیئت به اعطای مهلت مناسب به متهم جهت تدارک دفاع و فراهم نمودن تسهیلات دفاعی برای او، الزام به پذیرش وکیل یا نماینده حقوقی متهم یا شاکی خصوصی، الزام هیئت به رسیدگی سریع به تخلفات انضباطی کارکنان و الزام هیئت‌های انضباطی به صدور رأی مستدل و مستند ظرف مدت یک هفته»، اشاره کرد.

در خصوص ضمانت اجرای مدنی (جبران خسارت) هرچند با سکوت قانون خاص تشکیل هیئت‌های انضباطی، متضرر می‌تواند بر اساس قواعد لاضرر، تسبیب، اصل انصاف، تکلیف اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری حسب مورد به دادرسان یا دولت در خصوص جبران خسارت خود مراجعه کند، لیکن پیش‌بینی ضمانت اجرای موصوف در مقررات خاص هیئت‌های انضباطی باعث شفافیت موضوع و جلوگیری از اختلاف رویه می‌شود.^۱

نتیجه‌گیری

نتیجه تحقیق در جهت اثبات فرضیه‌های پژوهش است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که از حیث موازین دادرسی منصفانه، چالش‌های مهمی در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح و هیئت‌های انضباطی ناجا به‌خصوص در مراحل رسیدگی و صدور رأی وجود دارد. بر اساس داده‌های پژوهش عدم پیش‌بینی نهاد خاص متولی کشف تخلف یکی از چالش‌های مرحله رسیدگی از منظر دادرسی منصفانه است. در هیئت‌های انضباطی ناجا وظیفه کشف تخلف و جمع‌آوری دلایل و مدارک آن حسب مورد بر عهده بازرسی یا حفاظت اطلاعات یا عقیدتی سیاسی است، بدون اینکه در قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی این وظیفه به نهادهای یاد شده واگذار شده باشد. با توجه به یافته‌های تحقیق ساختار هیئت‌های انضباطی از جمله چالش‌های مهم رسیدگی به تخلفات انضباطی محسوب می‌شود که اصل «استقلال و بی‌طرفی» را مورد خدشه قرار می‌دهد. در نیروی انتظامی اکثر مقامات پیشنهاد دهنده تنبیه حسب مورد عضو هیئت‌های بدوی و یا تجدید نظر هستند. تحقیقات به عمل آمده حکایت از آن دارد که در دادرسی تخلفات

۱. جهت بررسی رویه قضایی و مشاهده آرای هیئت‌های انضباطی نیروی انتظامی و همچنین آرای دیوان عدالت اداری در این مورد، مراجعه شود به: جزوه‌های آموزشی معاونت حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری (۱۳۹۷)؛ تحت عنوان: «علل نقض آرای کمیسیون‌های انضباطی نیروهای مسلح در شعب دیوان عدالت اداری» و «رویه قضایی با موضوعات اداری، استخدامی و فرهنگی - علل نقض آرای قطعی هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح».

نیروهای مسلح به خصوص هیئت‌های انضباطی ناجا عدم پیش‌بینی مقررات خاص و نهاد متولی کارشناسی، چالش مهمی در مسیر دادرسی منصفانه قلمداد می‌شود. در مواردی ممکن است رسیدگی به تخلفات کارکنان پلیس توسط هیئت‌های انضباطی از نظر فنی، مالی، انتظامی و یا سایر جهات نیاز به اظهار نظر کارشناس داشته باشد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که عدم وجود مقررات کارشناسی که ممکن است منجر به قضاوت هیئت انضباطی بدون بهره‌گیری از نظریه کارشناس گردد باعث تضییع حقوق متهم می‌شود. برآمد تحقیق دلالت بر محدودیت در انتخاب و کیل در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح دارد. در هیئت‌های انضباطی نیروی انتظامی نیز متهم به تخلف یا شاکی الزاماً وکیل یا نماینده خود را باید از بین کارکنان حقوقی شاغل یا بازنشسته ناجا انتخاب کنند. این الزام قانونی با معیار دادرسی منصفانه مبنی بر «حق انتخاب آزاد وکیل» سازگاری ندارد. همچنین وابستگی شغلی و سازمانی نماینده متهم که معمولاً در سلسله مراتب فرماندهان ارشد عضو هیئت‌های ناجا قرار دارد، مانع دفاع آزادانه از متهم می‌شود. مستندات تحقیق نشان می‌دهد که عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای لازم جهت الزام هیئت‌های انضباطی ناجا و سایر هیئت‌ها به تفهیم ادله و مدارک اتهام و موضوع تخلف به شکل صریح به متهم ضمن اینکه خلاف اصل ۳۲ قانون اساسی و معیارهای پذیرفته شده در قلمرو کیفری است، باعث تضییع حقوق دفاعی متهم نیز می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش و به استناد ماده ۳۰ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و مواد ۵۱ و ۶۷ دستورالعمل اجرایی آن، از سه جهت شروع به رسیدگی هیئت‌ها یعنی رسیدگی به تخلفات، رسیدگی به شکایات کارکنان در امور خدمتی و از اعمال و رفتار غیرقانونی فرماندهان و تعیین وضعیت خدمتی کارکنان، فقط در حالت اول، رسیدگی حضوری پذیرفته شده است. پس بخش مهمی از فرایند دادرسی تخلفات نیروهای مسلح بر اساس داده‌های تحقیق به صورت غیابی و غیر تناظری است. نتیجه تحقیقات

دلالت بر این امر دارد که ملاک عمل بودن رأی رئیس جلسه در صورت تساوی آرای اعضای هیئت پس از تجدید جلسه رسیدگی، مخصوصاً اگر نظر رئیس بر محکومیت و نظر مقام قضایی (نماینده سازمان قضایی) بر برائت متهم باشد یکی از چالش‌های مهم مرحله صدور رأی است. در هیئت بدوی نیروی انتظامی، در صورت تساوی آراء در جلسه دوم، رأی معاون نیروی انسانی ناجا یا جانشین وی و در هیئت‌های بدوی عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات رأی معاون هماهنگ کننده سازمان‌های موصوف به‌عنوان رئیس جلسه ملاک عمل خواهد بود. این شیوه با معیارهای رسیدگی منصفانه سازگاری ندارد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که در مرحله شکایت از آراء هم چالش‌های جدی وجود دارد. حق واخواهی محکوم علیه از آرای غیابی پیش‌بینی نشده است که این امر مغایر موازین دادرسی منصفانه است. همچنین اصل قطعیت آراء در رسیدگی هیئت‌های انضباطی ناجا و سایر هیئت‌ها پذیرفته شده است و به‌جز آرای «معافیت یا اخراج از خدمت» سایر آرای هیئت‌ها قطعی است. مقررات یاد شده باعث تضییع حقوق دفاعی متهم می‌شود. علاوه بر آن، کلیه آراء هیئت‌های تجدید نظر که در مقام رسیدگی بدوی صادر می‌گردد نیز قطعی است. در نیروی انتظامی، چالش رسیدگی مستقیم پرونده در هیئت تجدید نظر وجود ندارد. از حیث تضمینات دادرسی منصفانه اعم از تضمینات اداری- انتظامی، کیفری، بطلان یا سلب اعتبار از تحقیقات و جبران خسارت (مدنی)، داده‌های تحقیق و مستندات آن دلالت بر وجود چالش‌های مهم در دادرسی تخلفات نیروهای مسلح از جمله هیئت‌های انضباطی ناجا دارد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق که حکایت از ضرورت بازنگری و اصلاح قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح و دستورالعمل اجرایی آن دارد و لحاظ قرار دادن توأمان موازین دادرسی منصفانه و ضرورت حفظ محرمانگی و اسرار سازمان‌های

نظامی و انتظامی، پیشنهاد‌های زیر جهت بهبود و ارتقای آیین‌ها و رویه‌های دادرسی تخلفات نیروهای مسلح با تأکید بر هیئت‌های انضباطی ناجا با لحاظ قرار دادن معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه ارائه می‌گردد:

۱- پیشنهاد می‌شود با اصلاح قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، مسئولیت کشف تخلف به صراحت و حسب مورد به ضابطان نظامی موضوع ماده ۶۰۳ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح واگذار شود. در هیئت‌های انضباطی پلیس نیز وظیفه کشف تخلف، جمع‌آوری دلایل و مدارک وقوع آن و تشکیل پرونده تخلفاتی در تخلفات امنیتی به مأموران حفاظت اطلاعات و در سایر تخلفات مربوط به وظایف انتظامی به کارکنان بازرسی ناجا محول شود.

۲- برای رفع چالش ساختاری هیئت‌های انضباطی و رعایت اصل بی‌طرفی دادرسان هیئت‌های انضباطی، پیشنهاد نگارنده این است که با اصلاح ماده ۲۷ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، مقام پیشنهاد تنبیه مجاز به شرکت در جلسه رسیدگی هیئت نباشد و این مورد از جهات رد دادرس محسوب شود. در هیئت‌های انضباطی ناجا نیز مقامات پیشنهاد دهنده تنبیه حسب مورد حق شرکت در جلسه رسیدگی به تخلفات متهمی که برای وی پیشنهاد تنبیه داده‌اند را نداشته باشند و جانشین یا معاون آنان در ترکیب دادرسان هیئت قرار گیرند.

۳- در چالش کارشناسی، پیشنهاد می‌شود سازمانی با ساختار مشابه کانون کارشناسان رسمی دادگستری تحت نظارت ستاد کل نیروهای مسلح و با رعایت ضوابط و ملاحظات خاص سازمان‌های نظامی تحت عنوان «کانون کارشناسان رسمی امور نظامی و انتظامی» تشکیل شود. در این حالت کارشناسان امور انتظامی پلیس نیز در ساختار کانون یاد شده قرار می‌گیرند.

۴- جهت برطرف شدن چالش محدودیت در انتخاب و کیل در هیئت‌های انضباطی نیروی انتظامی با رعایت حفظ محرمانگی رسیدگی هیئت‌ها، پیشنهاد می‌شود با اصلاح ماده ۲۴ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، شرایط اختصاصی تعیین و کیل یعنی انتخاب و کیل یا نماینده از بین کارکنان حقوقی شاغل و بازنشسته ناجا صرفاً ناظر بر تخلفات امنیتی شود و در سایر تخلفات، انتخاب و کیل با تعیین ضمانت اجرای قوی برای صیانت از اسرار نظامی، تابع عمومات و کالت در قلمرو کیفری شود.

۵- در خصوص حل چالش رسیدگی غیابی هیئت‌های انضباطی، پیشنهاد نگارنده این است که با اصلاح ماده ۳۰ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی و ماده ۶۷ دستورالعمل اجرایی آن، علاوه بر رسیدگی به تخلفات، رسیدگی به شکایات پرسنل در امور خدمتی و همچنین تعیین وضعیت خدمتی کارکنان (در مواردی که مرتبط با محکومیت کیفری قطعی آنان و یا از دست دادن صلاحیت ادامه خدمت باشد) در هیئت‌های انضباطی ناجا و سایر هیئت‌ها الزاماً به صورت حضوری باشد.

۶- در مورد چالش شکایت از آراء، پیشنهاد می‌شود با اصلاح مقررات مواد ۶، ۱۰ و ۲۹ قانون تشکیل هیئت‌های انضباطی، محکوم علیه حسب مورد حق واخواهی از کلیه آرای غیابی هیئت‌های انضباطی ناجا و یا سایر هیئت‌ها را داشته باشد. همچنین قابل تجدید نظر بودن آرای هیئت‌های انضباطی به عنوان اصل در ماده ۱۰ قانون موصوف پذیرفته شود و صرفاً در مورد تنبیهات پایین تر از تنزیل درجه یا رتبه مانند محرومیت از ترفیع، آرای هیئت‌ها قطعی باشد.

سپاسگزاری

پس از حمد و سپاس بیکران به درگاه ایزد منان و دادآفرین که به انسان قدرت تفکر، تعقل و آموختن بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد، نگارندگان به حکم

وظیفه بر خود واجب می‌دانند که از زحمات کلیه پژوهشگران و فرهیختگانی که آثار حقوقی ارزشمند آنان باعث غنای این تحقیق شد صمیمانه تشکر و قدردانی نمایند.

فهرست منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۶۸). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۵). «مفهوم انصاف در دادرسی»، اصول دادرسی منصفانه از نظر تا عمل، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- آقایی جنت مکان، حسین. (۱۳۹۶). حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- احمدی، محمد عارف. (۱۳۹۶). دادرسی منصفانه، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.
- امامی، محمد؛ استوار سنگری، کوروش. (۱۳۹۰). حقوق اداری، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: نشر میزان.
- بهجتی اردکانی، حامد. (۱۳۹۶). «رسیدگی در کمیسیون‌های انضباطی نیروهای مسلح در پرتو اصول دادرسی منصفانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
- بهمنی قاجار، محمدعلی. (۱۳۸۶). «دادرسی عادلانه بر پایه قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲۱ (۱۱-۱۲)، صص ۱۲۲-۱۳۳، بازیابی از:
<http://www.ettelaat.com>
- پوربخش، سید محمدعلی. (۱۳۹۵). پژوهش در حقوق - درس سمینار، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- تاری وردی، صادق؛ عباسی، محمود. (۱۳۸۸). «اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری و هیئت‌های انتظامی پزشکی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ۳ (۹)، صص ۱۱۳-۱۴۸، بازیابی از: <http://ijmedicallaw.ir>
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۳). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۹۱). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، تهران: انتشارات کوهسار.
- رستمی، محمود. (۱۳۷۸). فرهنگ واژه‌های نظامی، چاپ اول، تهران: انتشارات ارتش.
- ساقیان، مهدی؛ محمدی، احسان. (۱۳۹۲). «رعایت حقوق شهروندی در هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح در پرتو حق برخورداری از دادرسی عادلانه»، بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- طهماسبی، جواد. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- فضائلی، مصطفی. (۱۳۹۴). دادرسی عادلانه - محاکمات کیفری بین‌المللی، چاپ سوم، تهران: نشر شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- کوشکی، غلامحسین. (۱۳۹۵). «نقش دادستان در تضمین دادرسی منصفانه» اصول دادرسی منصفانه، از نظر تا عمل، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- گلدوست جویباری، رجب؛ باقری نژاد، زینب. (۱۳۹۲). «مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی ناقضین اصول بنیادین دادرسی کیفری»، فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۲ (۵)، صص ۷۳-۹۲، بازیابی از: <http://jclr.atu.ac.ir>

- مؤذن زادگان، حسنعلی؛ کوره‌پز، حسین محمد. (۱۳۹۵). «ضمانت‌های اجرایی نقض حقوق شهروندی در فرایند تحقیقات پلیسی»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۱، صص ۵۳-۸۶، بازیابی از:

<http://cld.razavi.ac.ir>

- مهابادی، علی اصغر. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری (کاربردی)، چاپ اول، تهران: نشر دوران‌دیشان.
- ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۹۴). دادرسی بی طرفانه در امور کیفری، چاپ دوم، تهران: نشر شهر دانش.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها»، بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- وروایی، اکبر؛ حریری، مهدی. (۱۳۹۵). دادرسی عادلانه و منصفانه، چاپ اول، تهران: نشر آریا داد.
- یزدانیان، محمدرضا. (۱۳۹۷). «بررسی مقررات جدید هیئت‌های انضباطی نیروهای مسلح با رویکرد علمی و کاربردی»، ماهنامه دادرسی، ۲۱ (۱۲۷). صص ۱۲-۲۱، بازیابی از:

<http://imj.ir>

- Bartollas, Clemens and Schmalleger, Frank (2010), Juvenile Delinquency, Pearson Publisher.
- Foster, steve (2011), Human Rights and Civil Liberties, Longman.
- Graner, (2004), Block Law Dictionary, 8 edition.
- packer, Herbert (2013), two models of the Criminal process, university of Pennsylvania Law Review.
- trechsel, Stefan (2006), Human Rights in Criminal Prucedings , Oxford university press, newYork .